

درس بیست و سوم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. ژانر چیست؟ مفهوم آن را در یک داستان بیان دارید.
 ۲. آثار ادبی را با چه معیارهایی ارزشیابی می‌کنند؟
 ۳. ژانرهای ادبی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
 ۴. در ادبیات دری بر روی کدام ژانر کمتر کار شده است؟
 ۵. قدیم‌ترین اثر ژانرهای نمایشی در کشور ما چه نام دارد و موضوع آن چیست؟

ژانرها یا انواع ادبی

مفهوم ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن برحسب شکل، موضوع و ویژه‌گی‌های فنی اشاره کند: نوع نمایشی (حماسی، تغزلی و دراماتیک)، نوع رابطه با واقعیت (داستانی، غیرداستانی)، نوع پی‌رنگ (کمیدی، تراژیدی)، ماهیت و محتوا (رمان تاریخی، رمان ماجراجویی) و... تا پیش از قرن بیستم نام‌های ژانری به عنوان رده‌های عام برای دسته‌بندی شمار زیادی از متون، کاربرد گسترده‌ی داشت؛ به ویژه این مفهوم نقش مهمی در طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری ادبیات ایفا کرده بود.

تقسیم‌بندی ادبیات به «ژانرهای ادبی» از دوران یونان باستان معمول بوده است. ژانرهای اصلی که در آن دوران برای شعر قایل بودند، عبارت از: حماسه، شعر غنایی، کمیدی، هجو و تراژیدی. امروز علاوه بر تقسیم‌بندی‌هایی که از دوران گذشته برای شعر در نظر گرفته شده بود، نثر نیز به انواع گوناگون؛ مانند: رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، مقاله، طنز، شرح حال و... تقسیم‌بندی شده است و به طور کلی هریک از انواع سنتی و شاخه‌های فرعی آن در شعر و انواع مختلف نثر، ژانر ادبی جداگانه‌ی به شمار می‌آیند.

در ادبیات قدیم دری، هیچ یک از تقسیم‌بندی‌های سنتی و جدید ژانرهای ادبی، معمول و رایج نبوده است. شعر تنها برحسب شکل ظاهری و طرز قرار گرفتن قافیه‌ها و اغلب بدون توجه به موضوع و محتوای آن تقسیم‌بندی شده است. این قالب‌ها

عبارتند از: قصیده، غزل، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی، دوبیتی، مثنوی، مستزاد، بحرطویل و فرد. این تقسیم‌بندی علاوه بر آن که حوزهٔ نثر را دربر نمی‌گیرد، معمولاً براساس موضوع و محتوا نیست و بیشتر بر پایهٔ تعداد تقریبی بیتها و نیز طرز به کارگرفتن قافیه در آنها مشخص می‌گردد.

حال که کاستی‌های تقسیم‌بندی ادبیات دری آشکارشد، باید به دنبال الگوی دیگری باشیم تا بتوانیم تمامی آثار ادبی گذشتهٔ خود (اعم از نظم و نثر) را، با توجه به آن، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. شاید تقسیم‌بندی آثار ادبی بر «ژانرهای ادبی» جامع‌ترین این روش‌ها باشد؛ زیرا «ژانرهای ادبی» حد و مرز خاصی نمی‌شناسد و آثار ادبی را تنها از دیدگاه محتوا و بار عاطفی تقسیم‌بندی می‌کند و از سوی دیگر این روش بر همه آثار ادبی جهان قابل تطبیق است. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که تعیین حد و مرز دقیق این ژانرها و قرار دادن آثار ادبی دری در آن، امری است نسبی و در این امر، تنها روح غالب اثر در نظر گرفته می‌شود؛ مانند: شاهنامهٔ فردوسی مایه‌هایی از شعر تعلیمی و غنایی و حتا نمایشی را با خود دارد و یا غزل‌های «بیدل» که در نوع غنایی دسته‌بندی می‌شود، با رگه‌هایی از تعلیم آمیخته است و شعرهای تعلیمی نظیر بوستان سعدی نیز با جلوه‌هایی از نوع غنایی همراه است. از این رو در تقسیم‌بندی این آثار فقط روح کلی حاکم بر یک اثر ادبی در نظر گرفته می‌شود.

۱. ژانر حماسی: حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود. مضامین حماسی به صورت داستان‌های توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات و کارهای شگفت‌انگیز روایت می‌شود. قهرمانان رویدادهای حماسی، بیشتر ابرمردان نامجویی هستند که برای کسب افتخارات و حفظ استقلال یک ملت می‌کوشند و نبرد می‌کنند و جنگ‌های آنان نوعی نبرد میان خیر و شر است که به صورت جریان دائمی در بستر حوادثی جالب و عبرت‌آموز به سوی سرنوشت‌های حتمی به پیش می‌رود. حماسه‌ها به طور کلی به صورت منظومهٔ (شعر) است. با این همه، حماسه‌هایی نیز به نثر به وجود آمده است. برای مثال می‌توان به شاهنامهٔ ابومنصوری اشاره کرد که به نثر نوشته شده است. به جز شاهنامهٔ فردوسی، منظومه‌های حماسی دیگری نیز در قلمرو ادبیات پدید آمده که هرچند به لحاظ ارزش حماسی و پرداخت هنری به پایهٔ شاهنامهٔ

فردوسی نمی‌رسند؛ اما ذکر نام برخی از آنان خالی از لطف نیست که از جمله می‌توان به منظومه‌های حماسی «گرشاسبنامه اسدی طوسی»، «بهمن‌نامه»، «فرامرنامه» و «برزو نامه» اشاره کرد.

۲. ژانر غنایی: غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد. این احساسات و اندیشه‌ها می‌توانند عاشقانه، دینی، فلسفی یا اجتماعی باشند. غزل‌های عاشقانه، آثار عرفانی، آثار هجو آمیز یا طنز گونه، مدیحه، نعتیه، مرثیه و توصیف طبیعت همه ژانر غنایی محسوب می‌شوند. در ادب دری، از نخستین دوران پیدایش آن تا به امروز، ژانرهای غنایی چه در قالب‌های شعر و نثر و چه در انواع شعر نو به وجود آمده است.

اصطلاح «غنایی» به منظومه‌های داستانی عاشقانه که جنبه روایتی دارند و شاعر در آن‌ها از احساسات و اندیشه‌های قهرمانان داستان سخن می‌گوید، نیز اطلاق می‌شود. منظومه‌های داستانی از قبیل «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون نظامی گنجوی و... در شمار شعر غنایی محسوب می‌شوند. از معروف‌ترین شاعران و نویسندگان آنی که به خلق آثار غنایی پرداخته‌اند می‌توان از حافظ، سعدی، جامی، سنایی، مولانا، نظامی و غیره نام برد، که معاصران نیز چنین آثاری ایجاد کرده‌اند.

۳. ژانر تعلیمی: آن است که هدف آفریننده آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، دینی یا علوم و فنون باشد. در زبان دری نمونه‌های فراوانی از انواع مختلف ژانر تعلیمی وجود دارد که بیش‌ترین سهم در این زمینه ویژه شعرهایی است که محتوای اخلاقی و فلسفی دارند.

آثار اغلب شعرای غیر درباری، سرشار از زمینه‌های تعلیمی است. کسایی مروزی، ناصر خسرو بلخی، ابوالفضل بیهقی، شیخ فریدالدین عطار، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، حیدری و جودی، عبدالرازق فانی و... آثار فراوانی در این زمینه آفریده‌اند. بخش عمده‌ی آن آثار متصوفه و اشعار عرفانی، با تعلیم همراه است و در شمار آثار تعلیمی به حساب می‌آید؛ اما بزرگ‌ترین اثر تعلیمی، «بوستان» سعدی است که از طرف شاعران متعدد مورد تقلید قرار گرفته است.

۴. **ژانر نمایشی:** هنرنمایش را «مادر همه هنرها» نامیده اند؛ زیرا در آن همه هنرها حضور دارند و تشریک مساعی می کنند. شعر، موسیقی، نقاشی، حرکات موزون، معماری و... هر کدام به تنهایی یک هنر کامل به شمار می روند؛ اما هنگامی که به عرصه هنرنمایش وارد می شوند، به عنوان یک عنصر تشکیل دهنده این هنر انجام وظیفه می کنند.

محققان سابقه نمایش در سرزمین ما را تا سه قرن قبل از میلاد ریشه یابی کرده و شواهدی بر حضور این هنر به شکل ابتدایی آن ارائه کرده اند. از جمله به تعزیه نامه و نمایشنامه یی به نام «ایاتگار زریران» اشاره می کنند. ایاتگار زریران (یادگار زریر) اثری بوده است منظوم با موضوع جنگ های «زریر» و برادرش گشتاسپ (پادشاه کاوی بلخی) با ارجاسپ تورانی خیونی، که می خواستند دودمان سلطنت بلخی را از قبول آیین اوستایی منصرف سازند. در نتیجه جنگی سخت میان طرفین در گرفت و گشتاسپ و طرف دارانش بر دشمن غلبه حاصل نمودند.

این اثر در قرن ششم میلادی از صبغه اصلی خویش برگردانده شده و صورت پهلوی ساسانی به آن داده شده است. از همین جهت تا همین اواخر تصور می رفت، که این اثر یک رساله منثور است؛ اما پس از تحقیقات و پژوهش ها و کاوش های ژرف و دامنه دار، در فرجام «بن و نیست» - زبان شناس فرانسوی - به اثبات رسانید که این اثر در اصل منثور نه؛ بلکه منظوم بوده و قدامت تاریخی آن به سه قرن قبل از میلاد می رسد، که بعدها - در قرن ششم مسیحی - آن را به پهلوی ساسانی برگردان نموده اند، که با پیرایه ساسانی شکل نخستین خود را از دست داده و در اثر تداخل و تناقص واژه ها، ابیات هفت هجایی آن، شکل نثر را به خود اختیار نموده است.

نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی، ساده گی و بی پیرایه گی در بیان و زبان است. سروده های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می شود، اغلب به زبان ساده و نزدیک به زبان عامیانه است. این نوع سروده ها به گونه همگانی در وزن های عروضی بوده و بحرهایی که برای آن ها انتخاب شده، بحرهای کوتاه است. در متن های قدیمتر گفتگوها و هم چنین روایت داستان به صورت قطعه های چند بیتی تنظیم شده که طول آن ها متفاوت و بیشتر در قالب مسمط، مثنوی، مستزاد و گاه بحر طویل است.